

احیای بناهای تاریخی، راهکاری برای نیل به
پایداری فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی شهرها
شاهرخ محمدی، علی سروش

صص ۱۵-۲۶



احیای بناهای تاریخی، راهکاری برای نیل به پایداری فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی شهرها

شاهرخ محمدی^۱، علی سروش^۲

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر dr. sh. mohammady@gmail.com
۲- کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد واحد شبستر Alijivan64@yahoo.com

چکیده

ضرورت باززنده‌سازی و احیای بناهای ارزشمند تاریخی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه دوچندان قرار گرفته است، به صورتی که در بسیاری از جوامع پیشرفته، آیین نامه‌ها و مجموعه ضوابط و مقرراتی برای تبلور هرچه بیشتر این عناصر هویت ساز تدوین و به اجرا درآمده است. بناها و بافت‌های تاریخی هسته‌های اولیه پیدایش بسیاری از شهرهای فعلی بوده و به نوعی هرآنچه امروز به عنوان هویت اجتماعی و ارزش‌های تاریخی می‌شناسیم نشأت گرفته از این کانون‌های ارزشمند می‌باشد. در سرتاسر جهان، این ارزش‌ها به عنوان شناسنامه هر ملت و سبقه آن‌ها در تمام زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی شناخته می‌شوند، از این رونق سازنده آن‌ها در هویت بخشی و پایداری اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی غیرقابل چشم پوشی می‌باشد. احیا و باززنده‌سازی بافت‌های تاریخی باعث رونق این مجموعه‌ها و در نتیجه پویایی و پایداری اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی هر جامعه‌ای می‌گردد.

کلمات کلیدی: هویت اجتماعی، ارزش‌های تاریخی، باززنده‌سازی، پایداری اجتماعی.

احیای بناهای تاریخی، راهکاری برای نیل به
پایداری فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی شهرها
شاهرخ محمدی، علی سروش

صص ۱۵-۲۶

۱- مقدمه

معماری اجتماعی‌ترین هنر بشری است به نحوی که در تمام مدت حیات بشر بر روی این کره خاکی، حضور فضا، بنا و شهر از گذشته تا امروز در آینده، لحظه‌ای از زندگی روزمره آدمیان غایب نبوده و نخواهد بود. بشر نیازمند فضایی است که او را در مقابل تأثیرات محیط محافظت نماید. این نیاز از ابتدای زندگی تا به امروز تغییر چندانی نداشته است. این فضای محافظ یا همان فضای معماری، مرکزی است که بر مبنای آن تمامی ارتباطات فضایی شکل یافته و سنجیده می‌شوند.

ارتباطات فضایی بین افراد، سیستمی است پیچیده از تمایل به نزدیکی، فرار، نادیده گرفتن، توجه نکردن و... به این دلیل فضای معماری نمی‌تواند تنها با توجه به فضایی ریاضی طرح شده باشد، بلکه لازم است طرح فضا به ترتیبی باشد که تمامی ارتباطات اجتماعی-روانی انسانها تقویت شوند یا اینکه لاقبل برای آنها مزاحمتی ایجاد نشود. مفهوم فضای ساخته شده یا فضای کالبدی به معنای کلیه شکل‌های کالبدی قابل لمسی که انسان‌ها به وجود می‌آورند و یا تغییر شکل‌هایی که در همین زمینه اعمال می‌کنند، می‌تواند به صورت یک مفصل بین فضای کالبدی-طبیعی و فضای زیستی انسانها تعریف شود. این فضا نقطه شروع انسان برای شناخت محیط است. فضای معماری به بیانی توصیف مادی مکان یا ظرفی است که در آن بخشی از فعالیت‌های مربوط به زندگی بشر صورت می‌پذیرد. بنابراین فضای معماری با زندگی رابطه‌ای ناگسستنی دارد. انسان هنگامی که از رحم مادر جدا می‌شود، در فضایی جدید قرار می‌گیرد که همان فضای معماری است. انسان در فضای معماری زندگی می‌کند، به فضا فکر می‌کند و فضا را خلق می‌نماید. معماری هنر به نظم در آوردن فضا است و انسان نمی‌تواند قبل از آنکه افعال خود را منظم کرده و به زندگی خود نوعی سازمان بخشیده باشد، فضا را به نظم در آورد. رابطه انسان با فضای معماری رابطه‌ای است روزمره که بخش مهمی از زندگی او را در بر می‌گیرد. این رابطه پیچیده‌تر از رابطه انسان با فضای هنری نقاشی و مجسمه‌سازی است، زیرا انسان این فضا را از درون نیز تجربه می‌کند. از این رو بعد از قرن‌ها، هنوز مسأله اصلی معماری، فضا و زندگی و چگونگی ارتباط بین این دو است.

همانند بسیاری از کشورهای جهان، کشور بزرگ ایران دارای گنجینه‌هایی غنی از معماری می‌باشد که بخش بزرگی از آن تا به حال ناشناخته مانده است. هر چند که از حدود دهه ۶۰ میلادی شناخت معماری به عنوان بخشی از فرهنگ معماری معاصر به شکلی منظم آغاز شده و تاکنون مورد توجه گرفته است، اما این مباحث آنگونه که باید در ایران مطرح نشده است. در میان انواع معماری، بناهای ارزشمند با قدمت چند صد ساله و میراث تاریخی که مورد غفلت قرار گرفته‌اند، اهمیت ویژه دارند. این مجموعه‌ها بناهایی هستند همه اندیشه، که وظیفه سنگینی در بیان معانی و ارزش‌ها برگردن آنهاست. در جای جای جهان بناهایی تاریخی در سراسر کشورمان موارد بی‌شماری مشاهده می‌گردد که یادآور خاطره و ارزش‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی گذشتگان ملت‌ها برای آیندگان هستند. هرمان موتسیوس که از اولین نظریه پردازان در ورک بوند آلمان در سال ۱۹۱۱ میلادی چنین می‌نویسد:

«معماری وسیله‌ی واقعی سنجش فرهنگ یک ملت بوده و هست. هنگامی که ملتی می‌تواند میل‌ها و لوسترهای زیبا بسازد، اما هر روز بدترین ساختمان‌ها را می‌سازد، دلالت بر اوضاع نابسامان و تاریک آن جامعه دارد. اوضاعی که در مجموع، بی‌نظمی و عدم سازماندهی آن ملت را به ثبات می‌رساند هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ

معماری این وظیفه را دارد که یک اندیشه‌ی ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود، عینیت بخشد و به این ترتیب نمودی خواهد بود برای سنجش این فرهنگ. »

۲- روش تحقیق

از آنجا که روش تحقیق به نوع پژوهش و ماهیت آن بستگی دارد، پس از مطالعات زیر بنایی معماری انجام گرفته بر آن است تا در این مقاله، روش تحقیق و ارائه به صورت توصیفی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای ادامه یابد. بدین معنی که مطالعات کتابخانه‌ای شامل بررسی تاریخی در گذشته و روند حرکت آن در زمان حال مد نظر می‌باشد. در این مقاله به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مصاحبه، مشاهده و استفاده از بانک‌های اطلاعاتی مورد تاکید قرار گرفته است.

۳- تبیین سوال پژوهش

امروزه طراحی معماری به حوزه‌های مختلف دانش بشری مربوط و نیازمند است. طرح این پرسش که چگونه می‌توان با باز زنده‌سازی و احیای یک بنای تاریخی رها شده باعث تقویت تعاملات اجتماعی و فرهنگی شد به عنوان سوال اصلی در این مقاله مورد تاکید قرار گرفته است و موضوع پژوهش را به سمت محیط، تعاملات اجتماعی و حوزه تاریخی و فرهنگی می‌کشاند. از سوی دیگر، درک رو به افزایشی که امروزه از تأثیرات فضای شهری مطلوب بر تقویت تعاملات اجتماعی شهروندان در میان طراحان و به ویژه مسئولین امر ایجاد شده است، لزوم توجه به این مباحث را دو چندان کرده است.

۴- تغییر ارزش بافت‌های تاریخی

بافت سنتی شهرهای قدیم ما که دارای فضاهای بسیار ارزشمندی در دل خود بوده و در طول تاریخ خود توانسته‌اند به درستی پاسخگوی نیازهای انسان قدیم باشند، متأسفانه امروزه به دلیل فقدان حس امنیت و تناسب فضاهای آن با نیازهای امروزی استفاده کنندگان آنها، فاقد مکان‌های واجد ارزش فرهنگی می‌باشد و کارایی سابق خود را از دست داده‌اند.

با ظهور مدرنیسم و هجوم فرهنگ‌های غیربومی و الگوی مصرف جهان پیشرفته به کشور، فرهنگ شهرنشینی جدید در تضاد با فرهنگ سنتی قرار گرفته و فرهنگ نوگرایی و تجدیدطلبی جایگزین فرهنگ اصیل و سنتی شده است بدین ترتیب همپا با توسعه‌های شهری جدید، بافت‌های تاریخی به مرور به حاشیه رانده شده و مهجور شدند و این در حالی است که بناها و بافت‌های تاریخی نماینده فرهنگ، هنر و فن معماری زمانه ساخت خود و به عبارت دیگر صورت تاریخی و فرهنگی هر کشور و ملتی بوده و در خاطرات تاریخی ملت‌ها تجدید حیات هنری تمدن‌های پیشین را رقم می‌زنند، لذا سزاوار نیست که اینگونه مورد بی‌توجهی قرار گیرند.

۵- رابطه فرهنگ و میراث تاریخی

میراث تاریخی، در واقع صورت ظاهری کالبدی فرهنگ است، فرهنگ رکن و اساس هر جامعه پیشرفته را تشکیل می‌دهد. چنانچه فرهنگ در جامعه گسترش یابد، میراث آن نیز حفظ خواهد شد. در صورتی که جامعه‌ای به اصل پیشرفت فرهنگ آن توجه نداشته باشد، آحاد آن جامعه نمی‌توانند ارزش‌های خود را باور کنند و نگهداری و مرمت و ارزش‌های بافتها و آثار خود را جدی نمی‌گیرند و اعتقادی هم به آن نخواهند داشت.

توجه کشورهای پیشرفته به حفاظت از آثار خود، نشانه رشد فرهنگی و ارج نهادن به میراث کهن و نهایتاً احیا و مرمت آثار با ارزش است. در این رهگذر، ارزش‌های پدیده‌ها نهفته در بطن میراث فرهنگی کشف می‌شود و آگاهی و رهیافت‌های ارزش‌های علمی و فرهنگی به شناخت این ارزش‌های نهفته و پایدار در میراث تاریخ منجر خواهد شد. به این ترتیب، بهره‌وری فرهنگی کارآمد از فضاهای احیا شده، با توجه به مراتب اجتماعی شهروندان می‌توانند محیط‌ها و فضاهای شهری را زنده و پویا کند و جان و روح دوباره در کالبد آنها بدمد. برگشت علاقه و دل‌بستگی شهروندان به فرهنگ و فضاهای با ارزش شهری سبب می‌شود که هویت مکانی و اجتماعی دوباره زنده شود. در این صورت است که با رشد فرهنگ و اعتقاد و باورهای مردم، آمادگی برای احیا و مرمت شتاب می‌گیرد و نوآوری از دل جامعه جوانه خواهد زد. لاجرم، احیا و مرمت توسعه درون شهری در بافت‌های با ارزش، به جلب سرمایه و ایجاد تحرک اقتصادی و رویکرد جهانگردان و پژوهشگران به کشور خواهد انجامید.

۶- باز زنده‌سازی ارزش‌های تاریخی

پیشینه حفاظت آثار تاریخی و میراث فرهنگی به بیش از پانصد سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد داریوش شاه در کتیبه‌ای از آیندگان می‌خواهد که آنچه را او برجای نهاده است تخریب نکنند. کتیبه‌هایی نیز به عنوان نمونه‌های دیگر در ستون‌های کاخ آپادانا در تخت جمشید، برای اطلاع آیندگان از احوال، حفظ آثار و شرایط فرهنگی و آداب و رسوم و زندگی مردم آن زمان در اعماق دو متری زمین یافت شده است. برای احیا و نگهداری ارزش‌های گذشته، باید آنها را شناخت و در فهم این جلوه‌های وصف ناشدنی کوشید، زیرا معماری هر مرز و بومی بی‌گمان پاسخ منطقی و کارکردی به طبیعت و اقلیم آن دیار است. می‌توان به کمک جلوه‌ها و مشخصه‌های معماری کهن، ویژگی‌های بصری را به عنوان شاخصه‌های چشمگیر نام برد. نور، چشم‌انداز، جهت و مقیاس تناسبات جملگی از جلوه‌های شگفت‌انگیز معماری با ارزش گذشته به شمار می‌آیند. جلوه‌هایی که تداوم یافته و روحی در کالبد معماری دمیده‌اند تا جان بگیرد و خلاقیت و هویت وصف ناشدنی خود را تکرار کند، این همان هویت خاص متفاوت معماری ایران است و طبعاً این تفاوت‌ها زاینده نوع ادراک معمار از مسئله و توانایی او در ارائه پاسخ است.

حفاظت ارزش‌های تاریخی پیشینه بس طولانی دارد و در طول زمان برای احیای این آثار تمهیدات و دستورالعمل‌هایی مطابق با شرایط زمان و مکان اندیشیده شده است. میراث تاریخی، تبلور فرهنگی گذشته و صیانت آینده هر جامعه است. پیشگامان معماری جهان برای حفظ و احیای ارزش‌های تاریخی و فرهنگی از دیرباز با برگزاری همایش‌ها و هم‌اندیشی‌ها تلاش کردند تا قوانین و بیانیه‌هایی را برای حفظ ارزش‌ها، وضع و تدوین کنند. باید در نظر داشت که توسعه درون شهری و احیای بافتهای تاریخی نباید به طول انجامد، زیرا در غیراینصورت به دلسردی و سرخوردگی ساکنان می‌انجامد. کلیه این‌ها بافتهای کهن همساز با شرایط اقلیمی و طبیعی ساخته شده‌اند و پاسخگوی منطقی و کارکردی نیازها به بهترین وجه بوده‌اند. در روند احیا و باز زنده‌سازی بناهای با ارزش، باید چنان عمل شود که این بناها هویت و اصالت خود را از دست ندهند و همواره باید توجه داشت که بهسازی باید با محیط پیرامون هم‌گام و هماهنگ باشد.

بناهای تاریخی جزو سرمایه‌های ملی هر کشور به حساب می‌آیند و با فرهنگ و تمدن

مردم آن سرزمین پیوندی قوی دارند، چرا که برپایه فرهنگ و آداب و رسوم، زندگی فردی و اجتماعی، اعتقادات، جهان بینی‌ها و ایدئولوژی‌های مردم آن سرزمین طراحی و برنامه‌ریزی شده‌اند. در جهت احیاء و بازنده‌سازی این بناها، راهکارهای متفاوتی ارائه شده است، در حالی که این فضاها خود حاوی توان‌های بلقوه و بسیار بالا در توسعه و احیای خود می‌باشند و چنانچه این امکانات درست مورد ارزیابی و استفاده قرار گیرند، نه تنها نیازی به سرمایه‌گذاری‌های اضافی ندارند بلکه خود می‌توانند سهم اساسی را در جریان سرمایه‌گذاری‌های توسعه شهری برعهده گیرند. از آن جمله می‌توان به عوامل و سرمایه‌های فرهنگی این کالبد‌های ارزشمند اشاره کرد. عوامل فرهنگی؛ شامل آداب اجتماعی و مراسم آیینی، همان‌گونه که در شکل‌گیری ساختار تاریخی بناها و شهرها نقش دارند در ماندگاری، حفظ و حیات آنها نیز از طرق مختلفی نظیر جلب حضور و مشارکت مردم نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کنند. همچنین عامل دیگری که تأثیر بسزایی در بازگرداندن حیات به چنین مجموعه‌هایی را دارد جلب جمعیت گردشگر و توریست به این مناطق است. بررسی‌های انجام شده بر روی بافت‌های تاریخی کشورمان عمدتاً حاکی از این موضوع است که ابنیه مذهبی به عنوان جزئی از استخوان بندی و ساخت اصلی بافت این شهر می‌باشند و موقعیت آنها به عنوان عناصر شاخص کالبدی، فرهنگی - مذهبی و تاریخی به عنوان عاملی جهت‌دهنده و تأثیرگذار بر احیاء و بازنده‌سازی چهره تاریخی شهر و عنصری قوی در اتصال بافت قدیم و جدید شهر حائز اهمیت هستند. لذا توجه به نقش و توانایی بلقوه این عناصر ارزشمند شهری (ابنیه مذهبی) می‌تواند بار دیگر روح زندگی شهری و حیات مدنی را به بافت تاریخی فرسوده تزریق نموده و کیفیات از دست رفته آن را در جهت مطلوب و مناسب سازمان داده و احیا نماید.

۷- فرهنگ و اهمیت و جایگاه آن

فرهنگ در لغتنامه دهخدا متشکل از دو بخش فربه علاوه هنگ برگرفته از ریشه اوستایی کلمه تنگ به معنی کشیدن و فرهختن آمده است. در لغتنامه معین فرهنگ را مترادف با علم، ادب، خرد و چاره می‌یابیم. (دهخدا، ۱۳۷۳) واژه مرکب فرهنگ یا فرهنگ هر دو به معنای علم و دانش و عقل و ادب و سنجیدگی و نیکویی، پرورش، بزرگی و بزرگواری و... آمده است. همچنین فرهنگ در بحث علوم اجتماعی و انسانی از جمله واژه‌ها و مفهومی است که با وجود کاربرد بسیار فراوان، همسخنی چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. ولی در تعریفها و نظریه‌های گوناگون درباره فرهنگ نکات مشترکی وجود دارد همچون این که فرهنگ، وجه مشخصه انسان و متمایزکننده او از حیوان (گل محمدی، ۱۳۸۱) و نیز عامل هویت بخش به اجتماع‌های انسانی می‌باشد. برخی فرهنگ را چون مجموعه‌های از نهادها، ساختارها یا الگوهای می‌بینند که هویت معنوی جوامع را تشکیل می‌دهد و گروهی دیگر به فرهنگ به منزله‌ی اصلیت‌ترین تجلی حیات انسانی و مجموعه‌های از نمادهای مرتبط با یکدیگر می‌نگرند. (Chartier ۲۰۰۹) روت بندیکت 'فرهنگ را اینگونه تعریف می‌کند: «فرهنگ روش متمایز کردن خود از دیگران است.» (جهانبگلو ۱۳۸۳، ۵۳).

ریموند فرنی^۲ می‌گوید اگر جامعه را مجموعه‌های سازمان‌یافته از افراد فرض کنیم که دارای شیوه زندگی خاصی می‌باشند، فرهنگ همین شیوه زندگی است. جامعه تأکیدی است بر مولفه انسانی، مجموعه افراد و روابط بین آنها، فرهنگ تأکیدی است بر مولفه منابع انباشته شده، منابع مادی و غیرمادی که مردم به ارث می‌برند و به

احیای بناهای تاریخی، راهکاری برای نیل به
پایداری فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی شهرها
شاهرخ محمدی، علی سروش

صص ۱۵-۲۶

کار می‌برند و تغییر شکل می‌دهند، بر آنها می‌افزایند و به آیندگان می‌سپارند. (بشریه ۱۳۸۶) به عبارتی فرهنگ به معنای وسیع آن همیشه پدیده‌های اجتماعی است. (گل محمدی، جهانی شدن فرهنگ، هویت ۱۳۸۱، ۱۲۳) به بیانی دیگر ساختارهای اجتماعی حاصل تعاملات رو در روی میان افرادی است که حس و دریافت مشترکی از واقعیت‌هایی مانند فرهنگ و اجتماع و مذهب دارند. در واقع فرهنگ، پایه و مبنای شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی است و در سه قالب زبان، هنجارها و ارزش‌ها نمود می‌یابد (Schaefer، ۲۰۰۸: ۴) ساختار و نظام اجتماعی نمی‌تواند به عنوان نظام هنجاری کنش‌های متقابل و نقش‌ها وجود داشته باشد، مگر آنکه فرهنگ برای آن ارزش‌های مشترکی که رفتار را شکل می‌بخشد و برای آن معنای قابل انتقالی به وجود می‌آورد، زمینه‌ای فراهم کند. (روشه، ۱۳۷۸: ۱۱۴) فرهنگ نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر آنکه دائما در بافت کنش متقابل و کنش اجتماعی که هم شرط و هم نتیجه آن است، خود را بازآفریند و بالاخره شخصیت برای دو نظام مذکور عنصر حیاتی، موتور اساسی حرکت یعنی مجموعه انگیزه‌هایی که هریک از عمل‌کنندگان را در موقعیت اجتماعی به عمل وادار می‌کند، به همراه می‌آورد. (روشه، ۱۳۷۸: ۱۱۶)

ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های اعتقادی از طریق اجتماعی شدن از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. رفتار انسان بدون ارتباط با یک نظام اجتماعی قابل درک نیست و یک فرهنگ بدون ارجاع به محیط زمینی یا جغرافیایی قابل شناخته شدن نیست (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۸۲) همچنین ارزش‌های فرهنگی در هر جامعه‌ای ضمن شکل‌گیری روابط اجتماعی افراد ساخته و پرداخته می‌شود و در بسیاری از موارد پایداری ساختارها سبب پایداری روابط اجتماعی می‌گردد (توسلی، ۱۳۶۲: ۹۰) روابط اجتماعی و هنجارهای رفتاری در قالب الگوهای رفتاری در میان افراد جامعه نهادینه می‌شود. هر شهر، هر محله و هر بنا، مطابق فرهنگ غالب خود، مجموعه خاصی از این الگوی رویدادها را دارد. در واقع هر فرهنگ همواره الگوی رویدادهای خود را با نام عناصر کالبدی فضا که در آن فرهنگ "متداول اند"، مشخص می‌سازد (الکساندر، ۱۳۸۶: ۷۸)

به عبارت دیگر "فرهنگ که مجموعه ارزش‌ها و باورها و جهان بینی است، قواعدی را می‌آفریند که فضای ساخته شده بازتابی از آن بوده و از این طریق مردم به محیط خود معنی می‌دهند" (پوردیهیمی، ۱۳۸۲: ۳)

فضای ساخته شده یا کالبد به تنهایی دارای حیات و هویت نیست، این رویدادها هستند که روحی در کالبد فضاهای ساخته شده می‌دمند و به آن هویت می‌بخشند. لذا رویدادها پارامترهای مهم و موثری در فضاهای کالبدی و شهری می‌باشند که به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

۸- فرهنگ، کالبد و رویداد

همه حیات و روح هر فضا و همه ادراک ما در آن فضا، نه صرفاً به محیط کالبدی آن بلکه به الگوی رویدادهایی بستگی دارد که در آنجا اتفاق می‌افتد. الکساندر هویت هر فضا را حاصل رویدادهایی می‌داند که در آن فضا اتفاق می‌افتد: "این الگوی رویدادهاست که هویت فضاها را به وجود می‌آورد، لزوماً رویدادهای انسانی نیست" (الکساندر، ۱۳۸۶: ۷۶)

در طول تکامل جوامع بشری، فرهنگ‌های محلی توانسته‌اند به کمک نمادهایی که در بطن دارند، تداوم داشته باشند. در میان مجموعه نمادهایی که بشر در طول تاریخ زندگانی خود خلق کرده و به کار بسته است فضای کالبدی و قدیمی شهر نیز نمادی

احیای بناهای تاریخی، راهکاری برای نیل به
پایداری فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی شهرها
شاهرخ محمدی، علی سروش

صص ۱۵-۲۶

تازه می‌شود و موضوع تفکر عمومی قرار می‌گیرد و با دارا شدن بار فرهنگی - اجتماعی مختص به خود، نقش ویژه‌ای را ایفا می‌نماید. در نتیجه پذیرفتن اینکه فضاهای شهری قدیمی دارای نمادهایی هستند که از تعلق خاصی بین انسان‌ها و فضای کالبدی شان حکایت می‌کنند امروزه به معنای قبول اصلی در تایید ارزشمندی فرهنگ عامه تلقی می‌شود. (فلامکی، ۱۳۸۴)

توجه به محیط مصنوع (معماری و شهر) و در نظر گرفتن انسان به عنوان متغیر اصلی مسئله، ضرورت توجه به نیازهای او، ویژگی‌های اجتماعی و روانی او، رفتار او در آن، تاثیر محیط بر او، مقوله‌های بسیار مهمی هستند که هویت و شخصیت انسان را شکل می‌دهند. از این روست که می‌توان با تحلیل فضاها، رفتارها و رویدادهای شکل گرفته در طول تاریخ شهرهای تاریخی به بازآفرینی و تجدید فضاهایی پرداخت که برگرفته از همان رفتارهای و رویدادهای تاریخی باشند. همانگونه که بسیاری از شهرهای ایران بستر مناسبی برای چنین فعالیت‌هایی در طول تاریخ بوده‌اند، این شهرها در گذر زمان بر اساس رفتارها و رویدادها وابسته به مذهب و سنت شکل گرفته است و بسیاری از رویدادهای اجتماعی و فرهنگی بر اساس مذهب در طول تاریخ شهر و مردمان آن تعریف شده است کماکان این رویدادها در مقاطع خاص زمانی اتفاق می‌افتد. همین رویدادهای مذهبی و فرهنگی به عنوان نبض تپنده شهر عمل کرده و ادامه دارند. هر رویداد لاجرم در مکانی رخ می‌دهد و بناهای ارزشمند تاریخی به عنوان مراکز شاخص فرهنگی شهر یکی از اصلی‌ترین مکان‌های بروز رویدادها در فضای شهری می‌باشند. بافت‌های قدیمی که اغلب در برگزیده ابنیه مذهبی می‌باشند به عنوان مهم‌ترین مکان تجمع و تعامل انسان‌ها به ویژه در اوقات فراغت و ایام و مناسبت‌های خاص بوده و جایگاه خاصی در افزایش روحیه شهروندی داشته و دارند. با استفاده از پتانسیل‌های چنین فضاهایی نه تنها می‌توان به رونق سایر فضاها بلکه به احیای محیط و بستر شهری در برگزیده آنها نیز کمک کرد. به عبارتی چنین کارکردهایی که در قالب کالبدهایی نظیر میدان، بازار، یادمان‌ها و بناهای تاریخی و به خصوص فضاهای مذهبی نمود می‌یابند به عنوان جاذبه و کشاننده افراد به سایر فضاها در نظر گرفته می‌شود. فضای مذهبی که بر اساس اعتقادات و فرهنگ شکل می‌گیرد به عنوان تنظیم‌کننده فعالیت‌ها، روابط انسانی و سایر فضاهای شهری بروز می‌کند.

۹- اهمیت احیا و باز زنده سازی بافت‌های تاریخی

بافت‌های تاریخی شهرها، در بردارنده ارزش‌های تاریخی - فرهنگی بوده و میراثی گرانبها برای نسل‌های آینده به شمار می‌آیند. آنها آموزه‌هایی از خرد جمعی انسان‌ها را که ضمن برخورداری از تجربه، هنر، حس مکان و جهان زیستی آدمیان است به نمایش می‌گذرند. از این رورها کردن بافت‌های تاریخی، انسان معاصر را از بهره‌گیری عالمانه از تجارب گذشته و قرار گرفتن در مسیر تدام تاریخی که رمز بقای هر فرهنگی است، باز می‌دارد. (غیائی، پرتوی، بهتاش، ۱: ۱۳۹۲) بافت‌های تاریخی کانون و هسته شهرها هستند. حیات این بافت‌ها طی سده‌های گذشته پایه بسیاری از آداب و رسوم و حتی فرهنگ موجود و نیز رونق اقتصادی شهر و منطقه بوده است. بناهای تاریخی قبل از همه وظیفه دارند تاریخ، هویت عینی و ذهنی عصر خود را حفظ کنند و در زندگی جاری سازند. لزوم احیای بناهای تاریخی از دیرباز مورد توجه بوده و کشورهای پیشرفته جهان با اجرای برنامه‌ها و دستورالعمل‌های خاص به رونق بافت‌ها و نواحی با ارزش قدیمی خود همت گماشته و هویت فرهنگی گذشته خود را دوباره زنده کرده‌اند. امر احیا و

حفاظت از بناهای تاریخی از اجزای پیکره فرهنگی جامعه به شمار می‌آید و تحقق آن به فعالیت‌های فرهنگی مداوم نیاز دارد زیرا میراث تاریخی تبلور فرهنگ گذشته و صیانت آینده هر جامعه است.

در واقع همانگونه پیش‌تر نیز بیان شد مجموعه‌های تاریخی و بافت‌های با ارزش علاوه بر محتویای فرهنگی و معنوی خود به منزله سرمایه‌های عظیم اقتصادی شمرده می‌شوند و با توجه به این که مردم در این سرمایه شریک و سهام‌اند و مشارکت آنها می‌تواند امر بازسازی را به نتایج چشمگیری هدایت کند.

سازمان فضایی شهرهای سنتی ایران در روند پیدایش خود همواره تابع منطق مکانی، فرهنگی و اجتماعی بستر خود بوده است. لذا حیات شهر و فضاهای آن تداومی مبتنی بر زیبایی، خوانایی، عملکرد و هویت داشته است. (پورجعفر، ۱۳۸۸). این بحث از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که فقدان فضاهای معماری پاسخگوبه فرهنگ و نیازهای آدمیان هر خطه‌ای احساس شود، زیرا فضاهای معماری در عین حال که می‌توانند بر عمق و وسعت تجارب ما بیفزایند و به زندگی معنی و رنگی تازه بخشند، می‌توانند یادآور خاطراتی باشند که تنی چند از آدمیان در بخشی از زندگی خویش به صورت مشترک به یاد می‌آورند. خاطره بیش از آنکه منوط به زمان باشد در بند مکان است. زیرا آنچه که زمینه شناخت انسان است، مجموعه‌ای بی‌پای از توقف‌های ذهنی او در فضا است. لذا خاطره عامل تشدید تعلق مکانی است و حتی می‌تواند این تعلق را به تعلق خاطر بدل نماید (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳). احساس تعلق به مکان از مهم‌ترین عوامل همبستگی و پایداری اجتماع‌های انسانی است. لذا مکان‌هایی که ظرفیت خاطره‌انگیزی را داشته باشند، به طور بالقوه می‌توانند بر پایداری نظام‌های اجتماعی موثر باشند. از این رو این مکان‌ها باید واجد کیفیت‌هایی باشند که زمینه خاطره‌انگیزی و حس تعلق را افزایش دهند و همان طور که گفته شد بافت‌های تاریخی عموماً دارای پتانسیل و ویژگی خاطره‌انگیزی می‌باشند. چنین فضاهایی با توسعه فعالیت‌ها و فضاهای فرهنگی در حفظ بناها و عناصر تاریخی خود موفق می‌شوند حضور روز و شب شهروندان و گردشگران را امکان‌پذیر می‌سازند. حضور مردم، جوانان و نوجوانان، جشن‌ها، انواع گردهمایی‌های اجتماعی، برپایی نمایش‌ها و معرفی فرهنگ‌های گوناگون با برپایی مراسم و جشن‌ها، اشکال گوناگون تعاملات اجتماعی و فرهنگی است که در رشد و ارتقای فرهنگ، توسعه و دانش یک شهر و ملت موثر است. در زمان معاصر با شناخت عوامل اصلی تخریب مجموعه‌های تاریخی و سازگاری وازگان نوین طراحی معماری با زبان کهن معماری بومی می‌توان در جهت بهبود این بناها و جهت‌های توسعه‌آتی آن نقش‌آفرین بود. فلسفه احیا و دوباره‌سازی اندام‌های صدمه‌دیده و فرسوده شهرها، ریشه در همین جایگاه دارد و لذا به نظر می‌رسد یکی از موثرترین راهکارها در احیا دوباره بافت‌های تاریخی، ایجاد فعالیت‌های مجدد در این مناطق با توجه به توانایی‌های فیزیکی و کالبدی و فرهنگی و اجتماعی آن‌هاست.

ایجاد مکان‌های فرهنگی می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های احیای فضاهای تاریخی شهری و زنده‌سازی شهر تاریخی مورد استفاده قرار گیرد. مکان‌ها و فضاهای فرهنگی در صورت دارا بودن ارزش‌ها و ویژگی‌های یاد شده می‌تواند بافت پیرامونی خود را متحول کند. طرح‌های گسترش و توسعه بناهای تاریخی با هدف احیای فعالیت‌ها و کارکردهای این بناها و تجهیز مناسب آن‌ها برای مرتفع ساختن نیازهای ساکنان به فضاهای مطلوب شهری برای زندگی جاری یکی از مهم‌ترین اقدامات برای زنده‌سازی این بافت‌ها به شمار می‌رود. زیرا از آن جا که نتایج مثبت این اقدام از سوی ساکنان

احیای بناهای تاریخی، راهکاری برای نیل به
پایداری فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی شهرها
شاهرخ محمدی، علی سروش

صص ۱۵-۲۶

و بهره‌برداران این مناطق، درک می‌شود می‌تواند مداخله و مشارکت آگاهانه آن‌ها را
برای بهسازی و اصلاح شهرتاریخی برانگیزد. این امر نه تنها موجب افزایش هویت
اجتماعی و فرهنگی مجموعه بافت می‌شود، بلکه راهکارهای موثر و تجربه شده برای
درهم تنیدگی اجتماعی و افزایش سطح تعاملات در عرصه‌های عمومی شهری است
که باعث ایجاد توسعه پایدار در شهرها می‌شود.

۱۰- تبیین جایگاه فرهنگ در رویکرد بازآفرینی

فرهنگ و شاخص‌های فرهنگی، از موثرترین و کارآمدترین موضوعات حفظ اصالت
و احیای بافت‌های تاریخی هستند. نهادینه شدن رویدادهای فرهنگی، نقش موثری
در تثبیت رویکرد بازآفرینی شهری داشته و به عنوان عاملی برای حفاظت از میراث
ارتقای کیفیت محیطی، مرمت و بازآفرینی ساختار کالبدی، طراحی‌های جدید و
هماهنگ با ساختار قبلی و ورود کارکردهای نوبه ساختارهای جدید تبدیل شده است.
در بازآفرینی بر مبنای فرهنگ، عامل فرهنگ به عنوان یک راهبرد توسعه‌ای بسیار مهم
در مقیاس‌های محلی و جهانی مطرح است. شهرهای اروپایی همزمان با دگرگونی‌های
اقتصادی در شهرها، فرهنگ را به عنوان ابزار و سرمایه مادی یک شهر مورد توجه قرار
دادند. (امین‌زاده و دادرس، ۱۳۹۱، ۱۰۱) در این رویکرد، فرهنگ به عنوان عامل تسهیل‌گر
و نیروی محرکه بازآفرینی معرفی می‌شود. استفاده از رویدادهای فرهنگی، که عوامل
خاطره‌ساز و خاطره‌های جمعی نقش مهمی می‌یابد و شهر مکان دائمی انواع نمایش‌ها
و فعالیت‌ها می‌گردد و با ایده‌های دیگر در ارتباط است.

در بازآفرینی فرهنگ، مبنای فعالیت‌ها و پروژه‌های توسعه فرهنگی سازگار با بافت
تاریخی از یک سو و مرمت و حفاظت از میراث شهری از سویی دیگر، توأمأ مورد تاکید
قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، مفهوم توسعه با مفهوم میراث همراه می‌شود. در این
دیدگاه، از میراث به عنوان ثروت یاد می‌شود تا جایی که تکیه بر ثروت اجتماعی و
حفاظت از میراث طبیعی توأمأ در نظر گرفته می‌شود. (Smith, 2007)

به منظور اجرای اقدامات کالبدی در پروژه‌های بازآفرینی، تعیین مقیاس فضایی-
کالبدی مهم تلقی می‌شود. این امر سبب باز تعریف عرصه حضور فرهنگ در شهر به
عنوان محدوده‌های فرهنگی می‌شود. (امین‌زاده و دادرس، ۱۳۹۱، ۱۰۱) بدین ترتیب،
بازآفرینی فرهنگی در بسط دادن مفهوم بازآفرینی تعریف عرصه‌ها و محدوده‌های
فرهنگی از اهمیت زیادی می‌تواند برخوردار باشد. بافت تاریخی به لحاظ دارا بودن
قدمت، میراث کالبدی، زمینه‌های مناسب با عملکردهای فرهنگی به عنوان مهمترین
بستر کالبدی-فضایی بازآفرینی بر پایه فرهنگ محسوب می‌شود. رویدادهای فرهنگی
نیز بستر مناسب کالبدی-عملکردی را فراهم می‌سازد.

۱۱- تبیین جایگاه گردشگری در رویکرد باز آفرینی

امروزه گردشگری به عنوان یک رویکرد اقتصادی پویا و دارای ویژگی‌های بارز و منحصر
به فرد به یکی از بزرگترین و پرمنفعت‌ترین صنایع در اقتصاد جهان تبدیل شده است
و به عنوان بستری جهت ایجاد تغییرات اجتماعی و اقتصادی در بسیاری از کشورهای
در حال توسعه به شمار می‌رود علاوه بر این، سود صنعت گردشگری صرفاً در بهره
اقتصادی خلاصه نمی‌شود، بلکه این بهره را از زوایای مختلفی همچون شناساندن
فرهنگ داخلی به دیگر کشورها نیز می‌توان ارزیابی کرد. ویژگی‌های ساختار گردشگری
هر مکان به نوبه خود از یک طرف متاثر از اهمیت، اعتبار، ماهیت، تنوع نقش و کارکرد

مذهبی، فرهنگی، تفریحی، تجاری و به طور کلی جاذبه‌های مکانی آن است، و از طرف دیگر برگرفته و تاثیر پذیرفته از ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی (باورهای اعتقادی) و اقتصادی ساکنان محلی و گردشگران است (ابراهیم زاده، ۱۱۶: ۱۳۹۰).

سه دهه اخیر قرن بیستم با جریانی در مرمت و حفاظت بناهای تاریخی همراه است که آن را می‌توان زمینه و شروعی برای تجدید نسل شهرها نام نهاد. احیای ساختار کهن، برجسته‌سازی مکان‌ها و باز تولید خاطرات جمعی و کانون‌های تعلق خاطر از جمله اولین اقدامات برای ایجاد کشش ذهنی به سمت محیط‌های تاریخی است که مقوله‌ای وسیع و پدیده‌ای نوظهور به نام گردشگری فرهنگی را مطرح می‌سازد. توجه به ترجیح گردشگران در جست‌وجوی مکان‌های منحصر به فرد، لزوم حفاظت از آثار فرهنگی و تاریخی و توجه به آثار مثبت رونق اقتصادی گردشگری، بستر ساز تقویت موضوع گردشگری فرهنگی است. نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته نشان دهنده نقش گردشگری فرهنگی در حفاظت از میراث‌های ارزشمند، گسترش روابط بین‌الملل و ارتقای سطح رفاه اجتماعی ساکنان است. (امین‌زاده و دادرس، ۱۳۹۱، ۱۰۱) بدون در نظر گرفتن فرهنگ و اجتماع، دستیابی به پایداری و بازآفرینی یکپارچه، امری غیر ممکن تلقی می‌شود. در این میان نقش گردشگری به عنوان استراتژی اساسی در بازآفرینی فرهنگی مطرح می‌شود. (Smith, 2007) به طور کلی می‌توان گردشگری را کنش متقابل گردشگران و میزبان و بازدید از جاذبه‌ها و تسهیلات و خدمات مربوط به گردشگری با انگیزه‌های متفاوت گردشگر دانست که در بافت‌های تاریخی این انگیزه به سوی کشف و شناسایی میراث‌های تاریخی و شیوه زندگی پیشینیان سوق می‌یابد.

در واقع بازآفرینی فرهنگی به کاربران و عواملان ذی‌النفوذ اهمیت خاصی می‌دهد و در تجدید حیات زیرساخت‌های کهن، شکل‌دهی مجدد بافت‌های شهری و نوشدن جریان‌های اقتصادی از سرمایه‌های اجتماعی محلی سود می‌برد و از گردشگران و پتانسیل گردشگری به عنوان نیروی محرکه بازآفرینی استفاده می‌کند. جلب سرمایه و حضور مردم در بسیاری از شهرها به خصوص بافت‌های تاریخی به واسطه حضور گردشگر فرهنگی تحقق می‌پذیرد؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در بخش صنعت گردشگری در حوضه فرهنگ، نه تنها اهداف اقتصادی و توسعه شهرها را برآورده می‌کند، بلکه به عنوان محرکی سازنده جهت بازآفرینی بافت‌های تاریخی و حفاظت از آثار و بافت‌های با ارزش کاربرد دارد. (تقوایی، ۱۳۸۷)

گردشگری فرهنگی و در این مورد خاص گردشگری مذهبی نوعی از گردشگری است که ریشه در باورها و اعتقادات دینی - مذهبی دارد، به مفهوم تخصصی خود فراتر از وابستگی به زمان و اوقات فراغت، عامل مهم جغرافیای انسانی در شکل‌گیری مسافرت، ایجاد تمرکز و چشم‌انداز فرهنگی است (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۹) گردشگری مذهبی امروزه، در راستای کسب درآمد و همچنین جهت حفظ میراث فرهنگی مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفته است. در بعد داخلی توسعه گردشگری مذهبی می‌تواند در راستای توسعه منطبق‌های، افزایش اشتغال و در بعد ملی افزایش درآمد و حفظ میراث فرهنگی را به دنبال داشته باشد. (مؤمنی و همکاران، ۱۴: ۱۳۸۷)

امروزه، منابع و جاذبه‌های گردشگری در تمامی بخش‌های برنامه‌ریزی و مدیریتی گردشگری اهمیت فراوانی یافته است؛ لیکن استفاده از مواهب گردشگری جز با فراهم کردن بستر مناسب توسعه گردشگری و افزایش کیفیت فضاهای شهری و امکان‌پذیر نیست.

۱۲- ائینه تاریخی و جذب گردشگر

امروزه دستیابی به توسعه پایدار و یا ارتقاء آن از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع به شمار می‌رود چرا که توسعه پایدار موجب تأمین نیازهای اساسی و بهبود ارتقاء سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم‌ها و به طور کلی موجب آینده‌ای امن‌تر و سعادت‌مندتر برای بشر است. از آن جایی که از شهرها به عنوان مهم‌ترین عوامل ناپایداری در جهان یاد می‌شود، عمده‌ترین مباحث توسعه پایدار در حوزه توسعه پایدار شهری مطرح می‌شود. بنابراین دستیابی به توسعه پایدار شهری از مهم‌ترین اولویت‌های در رسیدن توسعه پایدار به شمار می‌رود. در این راستا کارشناسان امر، عوامل گوناگون و راهبردهای مختلفی را برای دستیابی به توسعه پایدار شهری معرفی کرده‌اند اما بسیاری از دانشمندان بر توسعه صنعت گردشگری خصوصاً گردشگری فرهنگی به عنوان رکن اصلی در توسعه پایدار شهری تأکید می‌نمایند. بنابراین می‌توان گفت توسعه گردشگری پایدار و یا به عبارت دیگر توسعه گردشگری فرهنگی می‌تواند منجر به توسعه پایدار شهری و در سطحی بالاتر منجر به توسعه پایدار در جوامع گردد و می‌توان با برنامه‌ریزی اصولی و مناسب و شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های گردشگری هر شهر، موجبات توسعه مناطق شهری و در نتیجه توسعه ملی و رونق اقتصاد ملی را فراهم آورد. شهرخوی به لحاظ قرارگیری در موقعیت استراتژیک و نزدیکی با کشورهای همسایه و بهره‌مندی از منابع گسترده گردشگری، دارای قابلیت بالایی در دستیابی به توسعه پایدار از طریق گردشگری فرهنگی است. تبلیغات و آگاه‌سازی گسترده در رسانه‌ها درباره فرهنگ غنی کشور و منطقه و قابلیت‌های بالای گردشگری با تأکید بر وجود عناصر ارزشمند تاریخی و از بین بردن ذهنیت بد در مورد فضای داخلی کشور برای جذب بیشتر گردشگران مهم‌ترین راهبرد در توسعه گردشگری فرهنگی شهرخوی و به تبع آن توسعه پایدار این شهر می‌باشد و در راستای این راهبردها توجه و بهسازی آرامگاه شمس تبریزی، به لحاظ جایگاه بین‌المللی و قدمت تاریخی آن از بالاترین اولویت برخوردار است.

نتیجه‌گیری

بناهای شاخص تاریخی نقش پررنگی را در ادراک شهروندان از شهر و ایجاد هویت اجتماعی داشته و از آن جا که ارتباط تنگاتنگی میان سازگاری فضای کالبد با فعالیت‌ها و رفتارهای جاری در آن وجود دارد می‌توان با ارائه راهکارهایی حضور و تعامل شهروندان را در این فضاها پیش‌بینی کرد.

برای داشتن فضاهای شهری پویا در جوار بافت‌های تاریخی باید علاوه بر پاسخ‌گویی نیازهای مردم و زندگی روزمره رجوع معنی‌داری به هویت شهر تاریخی و بافت آن شهر شود. یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر به عنوان ابزاری برای بازآفرینی بافت‌های تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است گردشگری فرهنگی و مذهبی شهرهای تاریخی است. این رویکرد، راهی برای احیا و بهبود کیفیت زندگی شهری از طریق بهبود و توسعه خصوصیات ویژه تاریخی و جاذبه‌های فرهنگی مکان است. در بازآفرینی فرهنگ مینا، کاربری‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در بافت شهر تاریخی، سبب توسعه و احیای فرهنگ خواهد شد. در نتیجه بازآفرینی با هدف ارتقای گردشگری فرهنگی و مذهبی می‌تواند از راه‌های متعددی به نوسازی اجتماعی و کالبدی بافت‌های تاریخی کمک کند و پویایی و حیات مدنی را به بافت‌های تاریخی برگرداند و منظری از شهر را که نتیجه تعامل بین زمان، فرهنگ، اجتماع و کالبد است به وجود آورد.

احیای بناهای تاریخی، راهکاری برای نیل به
پایداری فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی شهرها
شاهرخ محمدی، علی سروش

صص ۱۵-۲۶

گردشگری فعالیتی است که به شیوه‌های گوناگون بر احیا و باززنده‌سازی فضاهای تاریخی شهر تأثیر می‌گذارد و دارای اهمیت فراوانی در توسعه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی بافت‌های تاریخی است. آنچه که مسلم می‌نماید، وجود رابطه دو سویه میان باززنده‌سازی فضاهای شهری کهن و توسعه گردشگری تاریخی است.

مراجع

۱. دکتر حبیبی، سید محسن، "فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی"، مجله صفا شماره ۱۶.
۲. حسینی، مصطفی (۱۳۸۸)، "مدیریت خاطره‌ی جمعی به کمک طراحی شهری".
۳. کیانی، محمدیوسف، تاریخ هنر معماری ایران دوره اسلامی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۴. موسوی، مجتبی: مجسمه‌های شهری و خاطرات جمعی، شهر، زندگی، زیبایی، سازمان زیباسازی شهرداری تهران، بهار ۱۳۹۱.
۵. شهر زندگی زیبایی، نشریه داخلی سازمان زیباسازی شهر تهران، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، دوره اول، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۱.
۶. اردلان، نادر، حس وحدت، ترجمه‌ی حمید شاهرخ، تهران، نشر خاک، ۱۳۸۰.
۷. حبیبی، سید محسن، از شار تا شهر، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۸. شهر، زندگی، زیبایی، ویژه‌نامه‌ی خاطره در شهر نشریه‌ی داخلی سازمان زیباسازی شهر تهران (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه دوره‌ی اول، شماره‌ی ۳، بهار ۱۳۹۱).
۹. استیون تایلر و تنراک، تیم هیث، باز زنده‌سازی شهری (رویکردی به محله‌های تاریخی). با ترجمه کرامت‌اله زیاری و قهرمان رستمی. تهران: آراد کتاب.
۱۰. استیون تایلر و تنراک، تیم هیث، ۱۳۷۹، به سوی احیای موفقیت‌آمیز محله‌های تاریخی شهر، هفت شهر.
۱۱. آلمن، ایروین، ۱۳۸۲، محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، چاپ اول، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۲. الکساندر، کریستوفر، ۱۳۸۱، معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن، ترجمه مهدی قیومی بید هندی، چاپ اول، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۳. امین‌زاده، بهناز، دادرس، راحله، ۱۳۹۱، بازآفرینی فرهنگ مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری، نشریه معماری ایرانی، شماره ۲.
۱۴. ایزدی، محمد سعید، ۱۳۷۹، احیای فضای شهری میدان کهنه اصفهان، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال دوم، شماره ششم.
۱۵. پارسا، حمیدرضا، ۱۳۸۱، شناخت محتوای فضای شهری، هنرهای زیبا، دوره ۱۱، شماره ۱۱.
۱۶. تقوایی، محمد، ۱۳۸۷، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری شهری، پیام علوی، اصفهان.
۱۷. حبیبی، سید محسن؛ مقصودی، ملیحه، ۱۳۸۴، مرمت شهری، تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۸. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۲، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران. چاپ اول، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران، تهران.
۱۹. غیائی، محمد هادی؛ پرتوی، پروین، بهتاش، محمد رضا فرزاد، ۱۳۹۲، چارچوب تحلیلی و روش‌شناسی باز زنده‌سازی بافت‌ها و محلات تاریخی، نمونه موردی محله بازار شاه کرمان، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مرمت و معماری ایران، سال سوم، شماره ۶.
۲۰. فلامکی، محمد منصور؛ کلانتری، محمد حسین؛ پور احمد، احمد، ۱۳۸۵، فنون و تجارب برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها، جهاد دانشگاهی، تهران.
۲۱. کریر، راب، ۱۳۸۳، فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، نشر خاک، اصفهان.
۲۲. مؤمنی، مصطفی و مظفر صرانی و محمد قاسمی خوزانی، ۱۳۸۷، ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلانشهر مشهد، جغرافی و توسعه، شماره ۱۱.
23. Landry, Ch. 1995, The Art of Regeneration: Urban Renewal Through Cultural Activity, Demos.
24. Smith, M. 2007, Tourism, Culture and Regeneration, UK, Oxford, Cabi Press.
25. Ashworth, G. J., Tunbridge, J. E., 2000, The Tourist, Historic City Respect & Prospect of managing the heritage city, Pergamon, RYAN & PAGE, Oxford
26. Boyer, M. C. (1994) "The Collective Memory" Cambridge Mass. Applegate, L. M., Austin, R. D., and McFarlan, W. F. (2003). Corporate Information Strategy & Management, International Edition, Sixth edition, McGraw- Hill.